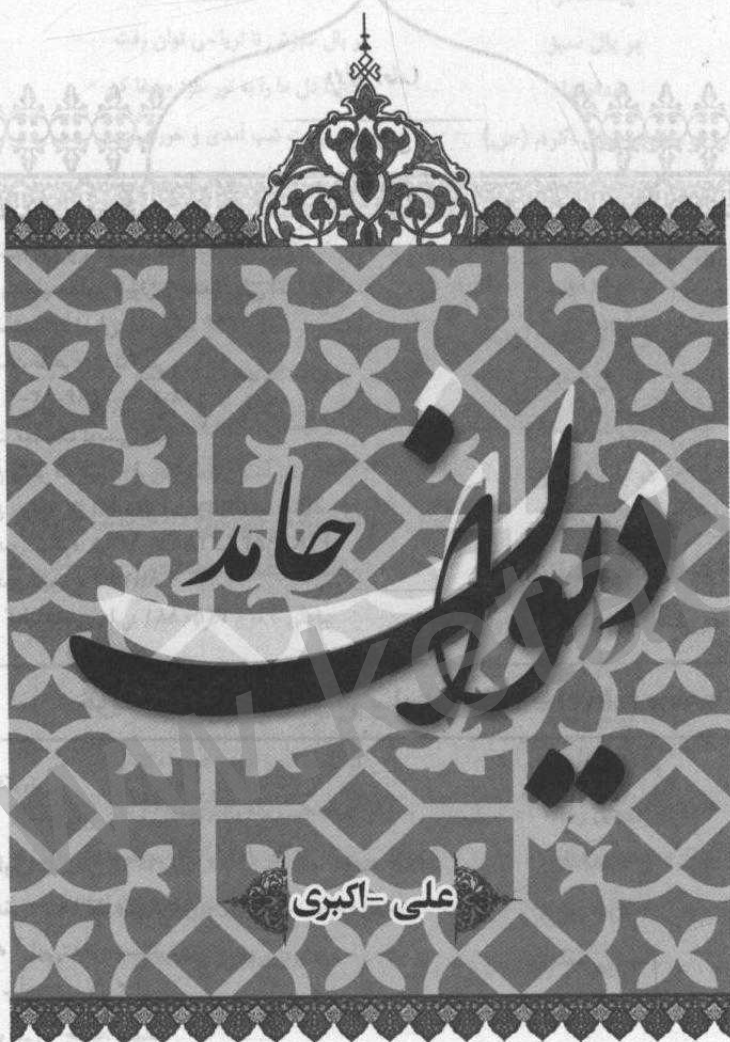




علی - اکبری



دیوان (حامد)

علی اکبری

سرشناسه: اکبری، علی، ۱۳۲۱ -
عنوان و نام پدیدآور: دیوان (حامد)/ علی اکبری .
مشخصات نشر: تهران: فکر بکر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۶-۸۳-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: شعر فارسی-- قرن ۱۴
موضوع: 20th century - Persian poetry
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۳۳۵۸۵۹ / PIR۷۹۵۳
رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲
شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۵۰۸۸۱

خرید اینترنتی این اثر در سایت: www.fekrebekr.ir

ناشر: فکر بکر
تیراژ: ۲۰۰۰ جلد
چاپ اول: تابستان ۱۳۹۶
امور فنی: انتشارات فکر بکر
صفحه آرایي: فائزه دستگردی
طراح جلد: نفیسه شکرانی
لیتوگرافی و چاپ: واصف
قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۳۹۶-۸۳-۴

کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف می باشد.

فهرست نگاشته ها

۱۶		پیشگفتار	۱
۱۸	بر بال سبزش تا ثریا می توان رفت	بر بال سبز	۲
۱۹	خداوندا دل ما را به نور خود مصفا کن	خداوندا	۳
۲۰	تو از نهایت شب آمدی و خورشیدی	در مدح رسول اکرم (ص)	۴
۲۰	اشک به خونم کشید آه به بادم سپرد	الفت آینه	۵
۲۱	این دل خسته را نمی خواهم	صدف بسته	۶
۲۱	آن شب فضای شهر تو پر از ستاره بود	پیک نور	۷
۲۲	عالم پر از شمیم وصال محمد است	شان و کمال محمد (ص)	۸
۲۲	با قبله نگاه تو چون آشنا شدم	با بال شوق	۹
۲۳	در نیستان آتش و بادم هنوز	آتش در نیستان	۱۰
۲۳	در بلور آسمان زندانی ام	در بلور آسمان	۱۱
۲۴	مرا شایسته می دانی زبان لاله ها باشم	سرود چشمه	۱۲
۲۴	سرود چشمه و فریاد رودم	هم آیین تساقیق	۱۳
۲۵	ساحلی با موج تکرارم هنوز	روشنی را دوست می دارم	۱۴
۲۵	باز آمد در سرم شوق و تمنای شما	آهنگ شور	۱۵
۲۶	سوختم چون شمع عمری در شبستان شما	پیام رهبر	۱۶
۲۷	گر نسیم سحر این پنجره را بگشاید	به تماشای بهار	۱۷
۲۷	ای منجی زمانه رهبر پرهیزگار ما	منجی زمانه	۱۸
۲۸	می وصل تو اگر با دل و جان می نوشم	گل عاطفه	۱۹
۲۸	خورده ام یک جرعه می چون از سیوی آشنا	گل آفرین	۲۰
۲۹	نغمه پردازم دف و چنگی دگر	آسمان نیلگون	۲۱
۲۹	نادیده تو را دیدم در دیده مکان دادم	نادیده تو را دیدم	۲۲
۳۰	دل به یاد تو هر شب بهانه می گیرد	بهار بلوغ	۲۳
۳۰	به هوای تو من از خویش گذر خواهم کرد	در شرح منصور حلاج	۲۴
۳۱	به غم تو می نشینم غم نان اگر گذارد	غم نان	۲۵
۳۱	می شناسم عشق را در هر لباس	می شناسم عشق را	۲۶
۳۲	ترسم که جام عشق او سرمست و مدهوشم کند	جام عشق	۲۷
۳۲	دیده هرزه گرد من ترک خطا نمی کند	دیده هرزه گرد من	۲۸

۳۳	چو شمع می بر سر راحت سحر مستانه می سوزم	مستانه می سوزم	۲۹
۳۳	عشق یعنی شور در سر داشتن	عشق یعنی عشق	۳۰
۳۴	بیا، بیا که نیاید غمت به آزارم	سجده فرشتگان	۳۱
۳۴	ای خفته در نگاهت راز نهان دیگر	تندیس رخ نما	۳۲
۳۵	از چه دل رمیده ام همدم جان نمی شود	همدم جان	۳۳
۳۵	نیست بودم که در این بادیه هستم دادند	باده پرست	۳۴
۳۶	دیده از نامردمی ها بسته ام	به امید فلق	۳۵
۳۶	(چرا نشانی بخت از ستاره می گیرم)	فیض اهل سخن	۳۶
۳۷	زندگی با مرگ شیرین می شود	بال عروج	۳۷
۳۷	ز فقدان تو چون ابر بهاری زار می گریم	می گریم	۳۸
۳۸	چو جان رود ز تن آزادی روان دارم	نه با اراده خود آمدم	۳۹
۳۸	نبود جز حرم عشق پناهی ما را	هاله ماه	۴۰
۳۹	بی تو من در بهار پاییزم	توسن امید	۴۱
۳۹	ای که هر جایی با من روز و شب	بهترین مخلوق	۴۲
۴۰	چه نوشتند بر این صفحه پیشانی من	پنجه در پنجه تقدیر	۴۳
۴۱	تا نمایان گشت سیمای تو اندر خاطر	اشک شوق حق	۴۴
۴۲	تا ز انوار وجودت روزنی بر من نمود	از صبا جویا شدم	۴۵
۴۲	جفای عشق تو شد آفت سلامت من	قیامت من	۴۶
۴۳	چون بود جای تو در دل حاجت دیندار نیست	اینجا کسی هشیار نیست	۴۷
۴۴	ای پرتو جانم بیا آگه ز پیمانم بیا	دیوانه ام دیوانه ام	۴۸
۴۴	بیا ساقی به بالینم تهی بیمانه ام امشب	دیوانه ام امشب	۴۹
۴۵	باخبر باش که دی رفت و بهاران آمد	صنع عیان	۵۰
۴۶	دشت دیره شاد زی دل شادمان داریم ما	دشت دیره	۵۱
۴۷	فرهت و فرهنگ در مسجد بجوی	پایگاه معراج	۵۲
۴۸	باده نوش الست باید بود	باده نوش الست	۵۳
۴۸	ساقی تو باده ای ده دل برده او ز دستم	شاهی که از گدایی	۵۴
۴۹	ای محمد ای فروغ جلودان	فروغ جلودان	۵۵
۴۹	می شود در خود مرا پیدا کنی	کوچه باغ آرزو	۵۶
۵۰	به یاد چهره تو چشم خویش می بندم	قسم به خالق حسنت	۵۷
۵۰	شهر شب نورانی از شمع شبستان من است	میلاد شقایق	۵۸

۵۹	مجلس انس	۵۱	ای عروسان چمن عقده دل باز کنید
۶۰	بر تربت حافظ	۵۲	حافظ آن لحظه که من عازم شیراز شدم
۶۱	آبشار زندگی	۵۳	ارزش اینار از شمع شبستانم بیرس
۶۲	پرتو یگانه	۵۳	ای دیده اشک شبها شاید اثر ندارد
۶۳	منشور عشق	۵۴	آفتابی گر نباشد عشق فردا می شود
۶۴	هرچه شود بادآباد	۵۴	سر نهم در ره او هرچه شود بادآباد
۶۵	شرح حزن انگیز	۵۵	شرح حزن انگیز دل از پرده تارم شنو
۶۶	یاد باغ سبز	۵۵	یاد ایامی که غم ناچیز بود
۶۷	سکوت سنگین	۵۶	اجاق خاطره ام بی تو سرد و سنگین است
۶۸	عبور ثانیه ها	۵۶	فرشته ای به قفا در کمین جان من است
۶۹	آئینه و آب	۵۷	سر فصل کتاب را نشانم دادند
۷۰	نور و باران	۵۷	ای یاران من ز یاران بوده ام
۷۱	آینه ها	۵۸	تو دلت از تبار آینه هاست
۷۲	صبح دلگشای بهار	۵۸	با تو فصل بهار گلریزم
۷۳	نوای باران	۵۹	در دل هوس و هوای باران
۷۴	غنچه های مهربانی	۵۹	در دلم جای تو اما با دلم بیگانه ای
۷۵	ظهور عاطفه	۶۰	همیشه الفت من از سر ارادت بود
۷۶	نگاه خالی از الفت	۶۰	نگاه من دگر بر شانه های شهر سنگین است
۷۷	میلاد دوباره	۶۱	در فصل بلوغ گل خبردارم کن
۷۸	زیباترین فصل شکفتن	۶۱	پر از گلهای پرپر گشته ای سطح خیابان بود
۷۹	ره توشه عاشقی	۶۲	پر قامت شمع ما شهادت جاریست
۸۰	شب‌نم	۶۲	ملون تابش خورشید در شب‌نم اگر باشد
۸۱	بال در بال کبوتر	۶۳	شب ز وصل دختر مهتاب کامی داشتم
۸۲	دل دریایی	۶۳	تا گذرگاه تو با شور و شتاب آمده ام
۸۳	فرزانه	۶۴	نور چشم روشنم فرزانه است
۸۴	شیر و شکر	۶۴	دیشب به تکاپوی تو بودم تو نبود
۸۵	چه می شد؟	۶۵	گر مرا با یک نظر افسون نمی کردی چه می شد
۸۶	خلوت خاکستری	۶۵	می فشارم گر به دست خود گلوی خوشتن
۸۷	بوی باران	۶۶	می توان از بوی باران یافت سیمای سخاوت را
۸۸	فتنه و فریاد	۶۶	زندگی زیباترین افسانه بود

۶۷	عقده های روز می ریزد به دامان شبم	۸۹	شمع خویشاوند
۶۷	مثل نیلوفر به پایش بیج و تابم داشت	۹۰	تندیس یخ
۶۷	رفتم آنجا و دگر آن شهر شهر ما نبود	۹۱	فرش سرد سایه
۶۸	خسته هستم دیگر از نقش و نگار زندگی	۹۲	خشم شمشیر و شقایق
۶۸	در قیاس دوستان کردم قصور	۹۳	در لباس دوست
۶۹	به ساحل می نشینم چشم بر موج هراس انگیز	۹۴	هم وسعت دریا
۶۹	سوده خواهم شد چو شمشیر از نیام خویشتن	۹۵	داغ صد ای کاش
۷۰	در خانه دل نشسته ای دلدارا	۹۶	یک حادثه
۷۰	رفته چون تا عمق روحم انضباط	۹۷	پشت چراغ احتیاط
۷۱	تبر مانند من درد درختان را نمی داند	۹۸	درد درختان
۷۱	شکوه عشق تو تا بیکران نهایت داشت	۹۹	فصل نو
۷۲	او گوشه چشمی نظر انداخته بود	۱۰۰	بیچاره دلم
۷۲	تو هم نامت ز فصل زندگانی پاک خواهد شد	۱۰۱	آخر خط
۷۳	مادرم شیر جان دادی و جان پروردی	۱۰۲	بر مزار مادرم
۷۳	جاده خلوت دیده ها در انتظار	۱۰۳	پل پیغام
۷۴	از آسمان شنیدم آواز عاشقانه	۱۰۴	عروس نوروز
۷۴	نظر به آینه کردم جمال قلب تو بود	۱۰۵	خیمه مهتاب
۷۵	دستان طلب عاطفه را دریابید	۱۰۶	عاطفه را دریابید
۷۵	با غم هجر تو جانانه چه تدبیر کنم	۱۰۷	سنگ ملامت
۷۶	بیا، بیا و دمی با من پریشان باش	۱۰۸	قالو بلا
۷۶	به هر جا می روم عشق تو پیدا می کند ما را	۱۰۹	پنهانی هویدا
۷۷	این کیست کاندر سینه ام فریاد و افغان می کند	۱۱۰	یاقوت غلطان
۷۷	باور مکن که بعد تو دلخوش به زیستم	۱۱۱	باور مکن
۷۸	به طلوع صبح دریا به غروب چشمه ساران	۱۱۲	سوگند
۷۸	هرچه را می نگرم پرتو روی تو بود	۱۱۳	هستی همه گوی تو
۷۹	شد هدایتگر چو محراب رسول	۱۱۴	محراب
۸۰	گفتم به جز فراق در دل غمی ندارم	۱۱۵	قدر در بهاران
۸۱	خوشم ز عطر ترنم خیز باران	۱۱۶	باران
۸۱	از هجر تو شعله وش دلم بیتاب است	۱۱۷	هر سو که نماز می کنم
۸۲	ز عطر عشق چون گلهای یاسم	۱۱۸	عطر عشق

۸۲	آن شب که ملک در آسمان پیدا بود	نور جاری فردا	۱۱۹
۸۳	رغبت پرواز با بال و پریم بیگانه است	داغ دشت لاله خیز	۱۲۰
۸۳	دیدم چو در شکفتن آلاله روی تو	تبسم گل	۱۲۱
۸۴	قامت تردید را باید شکست	با شمشیر خون	۱۲۲
۸۵	سحر که پلک پنجره ام باز می شود	ساعت پرواز	۱۲۳
۸۵	خانه مان با ما چرا بیگانه شد	آینه محشر	۱۲۴
۸۷	گر مرغ روح عاشق سنگر نمی شد	به استقبال خورشید	۱۲۵
۸۸	گر ز خود بسیار گفتم، این همه من نیستم	پوزش	۱۲۶
۹۰		پیشگفتار	۱۲۷
۹۳	شرحی بر مجموعه سرود عشق به قلم دکتر حمید صمصام	حسب الظن حقیر	۱۲۸
۹۵	شرحی بر مجموعه سرود عشق به قلم آقای هادی میرزاخانی	مقدمه	۱۲۹
۹۸	خداوندا دل مارا به نور خود مصفا کن	خداوندا	۱۳۰
۹۸	غنچه از شاخه به معنای تو برمی خیزد	به تماشای تو	۱۳۱
۹۸	نگشوده است کسی عقد معمای تو را	گمشده خویشتنم	۱۳۲
۹۹	به آبروی تو روید به بوستان گل عشق	جای پایت سبز	۱۳۳
۹۹	ای آفتاب حسن نظری بر غبار ما	باغبان عاطفه	۱۳۴
۱۰۰	از شهر تو رفتیم و تو را خوب ندیدیم	سرخى بعد از سحر	۱۳۵
۱۰۰	تو را به عصمت آینه و نجابت نور	نجابت نور	۱۳۶
۱۰۱	آئینه باید همنشین نور باشد	آینه اندیشه	۱۳۷
۱۰۱	بلوغ شاخه ام فریاد سبزی در گلو دارم	فریاد سبز	۱۳۸
۱۰۲	مرا دعوت کن ای خوبم به فروردین چشمانت	غم شیرین	۱۳۹
۱۰۲	سپر دم کودک دل را به یک دریای طوفانی	جشن پریشانی	۱۴۰
۱۰۳	این روزها آواره ای اندوهگینم	پله آبی دریا	۱۴۱
۱۰۳	گفته ام یا فارغ از جانم کند	در شب چشم تو	۱۴۲
۱۰۴	در میان باغ چشمانت دلم جا مانده است	رقص رویا	۱۴۳
۱۰۴	چون بلبل همواره در رویای باغم	از پای یاس	۱۴۴
۱۰۵	در آینه دیدم غم پنهانی خود را	قلم سبز غزل	۱۴۵
۱۰۵	دل به درد عشق عادت می کند	تسبیح باران	۱۴۶
۱۰۶	حضور سبز مرا در بهار باور کن	بهشت گم شده	۱۴۷
۱۰۶	آسمان عاطفه میراث دار فاطمه	فاطمه سلام ا...	۱۴۸

۱۴۹	معبد عشق	۱۰۷	در جهان جز تو کسی واقف اسرار نشد
۱۵۰	سروش آیه ها	۱۰۷	باز هم شبها خیالم حرف سنگر می زند
۱۵۱	جای پای باران	۱۰۸	تو از کرانه دریا منم غبار کویر
۱۵۲	گل همیشه بهار	۱۰۸	چشمم کنار پنجره در انتظار کیست
۱۵۳	پشیمانم هنوز	۱۰۹	رفته ای از محفل و شمع شبستانم هنوز
۱۵۴	روایای زیبا	۱۰۹	روایای زیبایی که از حسن تو دارم
۱۵۵	غزال گریه	۱۱۰	ما را نمی دهد غم دیگر مجال گریه
۱۵۶	در یاچه مهتاب	۱۱۰	در پرستوهای آهمن رغبت پرواز نیست
۱۵۷	رقص نور	۱۱۱	رفتی و غم به سینه من زد حصارها
۱۵۸	بر مخمل سبز	۱۱۱	گر چشمه جوشیده در بستر بماند
۱۵۹	شهبال پرواز	۱۱۲	مانند گل روییده ای در باغ جانم
۱۶۰	یار می آمد	۱۱۲	جلوه ای بود و یار می آمد
۱۶۱	باز می گردم	۱۱۳	سایه غم بر سرم افتاده است
۱۶۲	مثل نسیم	۱۱۳	با من وفا به قصد جفا می کنی مکن
۱۶۳	پل پیغام	۱۱۴	او طلسم درد را خواهد شکست
۱۶۴	نمی دانم می داند	۱۱۴	نمی دانم می داند که دلخونم ز احسانش
۱۶۵	رقص قلم	۱۱۵	در انتظاری لحظه ها را می شمارم
۱۶۶	باور مکن	۱۱۵	باور مکن که بعد تو دلخوش به زیستم
۱۶۷	از من چه می دانی	۱۱۶	آیا صدایم را شنیدی آنسوی دیوار
۱۶۸	انتظار	۱۱۶	به دور حلقه عشقت حصار می مانم
۱۶۹	سفر سبز	۱۱۷	شهر دا را چو شب چشم تو غارت می کرد
۱۷۰	چشمیت افسون می کند	۱۱۷	صفای آسمانی چشمیت افسون می کند ما را
۱۷۱	من هم با شما بودم	۱۱۸	در حصار حلقه زنجیر من هم با شما بودم
۱۷۲	شرح حسن	۱۱۸	در کمند زلف تو این دل عجب درگیر شد
۱۷۳	جام عشق ازلی	۱۱۹	ای دل آرام، دل آرام شبی خانه ماست
۱۷۴	اشک تمساح	۱۱۹	آه دیگر خنده ها آن خنده های پاک نیست
۱۷۵	خلوت آینه	۱۲۰	خطی نوشته ای که بود یادگار تو
۱۷۶	شهبال شعر من	۱۲۰	من عزم سرخ هرچه بادا باد دارم
۱۷۷	سنگ صبور	۱۲۱	از دوری تو گوشه نشینم هنوز هم
۱۷۸	روح باران	۱۲۱	از گریبان درد من جاری شده

۱۷۹	همسایه خوبان	۱۲۲	من اندر چشم تو چون راز پنهانم نمی دانی
۱۸۰	خیابانهای خاطر	۱۲۲	دلا دیدی که روی دست ماندی
۱۸۱	فرصتهای سبز	۱۲۳	باز آوای جنون دارد دلم
۱۸۲	اسیر	۱۲۳	دل من اگر ربودی نکشم سر از کمندت
۱۸۳	لوح تقدیر	۱۲۴	نگهی کردی و دل وقف وفایت کردم
۱۸۴	پا در رکاب کاوه ای	۱۲۴	از سالها انسانیت را می فروشد
۱۸۵	دامن شب	۱۲۵	عطش عشق تو دیوانه قلمدادم کرد
۱۸۶	نهال سبز غزل	۱۲۵	من این هوای مه آلود خوانده ام تنها
۱۸۷	گر خدا یاری کند	۱۲۶	گو به دلنارم کزین پس هم وفاداری کند
۱۸۸	بپرسید ز باران	۱۲۶	شام غم من گر سحری داشته باشد
۱۸۹	زخم زمین	۱۲۷	شنیدم آنچه را حالا چنین نیست
۱۹۰	پرده باران	۱۲۷	صدای جاری جوی از کویر می گذرد
۱۹۱	دست سبز	۱۲۸	دیده ای دست گل افشان درخت
۱۹۲	ترک تبسم	۱۲۸	آسمان را ابرها گم کرده اند
۱۹۳	روزی بهاری می رسد	۱۲۹	بر دقترم خط سیاهی ماندگارم
۱۹۴	ما موج بلندیم	۱۲۹	(ما موج بلندیم سر افکنده چرایم)
۱۹۵	تفاهم	۱۳۰	اگر چه با غم عشق تو در عنا باشم
۱۹۶	شط خاکستری	۱۳۰	در انکسار سایه ها جایی ندارم
۱۹۷	برکه در بحران	۱۳۱	قوی ها در حسرت آب زلال
۱۹۸	ارمغان عمر	۱۳۱	اینسان چرا در کار دنیا بیقرارم
۱۹۹	با قلم شمشیر را	۱۳۲	از میان دردها جوشیده ام
۲۰۰	عطر ایمان	۱۳۲	درختی رسته در هرم کویرم
۲۰۱	کوچه بن بست	۱۳۳	ذهن من لبریز بادآباد بود
۲۰۲	در انتظار باران	۱۳۳	با لاله ها نشستم در انتظار باران
۲۰۳	فصل شکوفایی	۱۳۴	حالا تمام شوکرانها سر بزرند
۲۰۴	طعم بشارت	۱۳۴	غارنگران آینه را دلگیر کردند
۲۰۵	باران	۱۳۵	مثل باران در هوا بگسسته ام
۲۰۶	این دل از من نیست	۱۳۵	این دل از من نیست از آن تو است
۲۰۷	خلوت خاموش	۱۳۶	ز عمق فاجعه با همت وفا رستید
۲۰۸	عبور از خودم	۱۳۶	پلی برای عبور از خودم بنا کردم

۱۳۷	میان مزرعه گر شد شقایقی زخمی	زورقی زخمی	۲۰۹
۱۳۷	سحر که کودک دل می کند بهانه تو	سرود عشق	۲۱۰
۱۳۷	یاد آن روز که در کوی تو جا بود مرا	یاد آن روز	۲۱۱
۱۳۸	برادر جان بخوان خطی هدایت نامه ما را	با نام یکتا	۲۱۲
۱۳۸	خواهم آمد به در خانه ات از روی نیاز	خواهم آمد	۲۱۳
۱۳۹	داغ دل تا کی به دامن داشتن	لبخند زخم	۲۱۴
۱۳۹	ای آشنایان آشنا بیگانه می داند مرا	در آستان خانه	۲۱۵
۱۴۰	غم چو افزوده شد از طاقت دلدار گذشت	حوصله دار	۲۱۶
۱۴۰	کجاست آنکه شبنم را ستاره باران کرد	آتش وصال	۲۱۷
۱۴۱	ز شوق روی تو یک لحظه ام قراری نیست	بیقرار	۲۱۸
۱۴۱	خوشم کز دست دادم در وفای او جوانی را	نوای همزبانی	۲۱۹
۱۴۲	دستی که بالا برده ام بر سر نهادم	دریای آبی	۲۲۰
۱۴۲	ساقی بده تو باده که همخواب آذر	انسان برتر	۲۲۱
۱۴۳	من از ناباوری ها پرده بر راز نهان دارم	به مجنون گو که برخیزد	۲۲۲
۱۴۳	این زمینی که شما را بستر است	مهمان قریب	۲۲۳
۱۴۴	در سختی زمانه بسی استوار باش	اشرف و احسن	۲۲۴
۱۴۵	چون تارک سپیده بین خون جگر مرا	دیو و فرشته	۲۲۵
۱۴۵	من ز هجرت کباب خواهم شد	شهر خاطره ها	۲۲۶
۱۴۶	من درین دایره دیده جهان می بینم	روز موعود	۲۲۷
۱۴۶	در قفس گم کرده ام پرواز را	ایستگاه انتظار	۲۲۸
۱۴۷	جای پایم در کجا گم می شود	سایه ها در سایه ام	۲۲۹
۱۴۷	ای چشم جهان محو تماشای جمالت	هر ذره موجود	۲۳۰
۱۴۸	نمی دانم چرا شعر کهن در قاب غمگین است	شعر کهن	۲۳۱
۱۴۸	خوش بود روزی که آن دلدار را مهمان کنیم	تجدید پیمان	۲۳۲
۱۴۹	تا کی ز غم و درد زمان شاد نبودن	درد تناقض	۲۳۳
۱۴۹	از ادیبان می شوم آهسته دور	آرزو	۲۳۴
۱۵۰	به ابتدای خیابان رسیده ای فرزند	سایه چتر پدر	۲۳۵
۱۵۰	چشم من تا کی به دست روزگار	پاسخ پژواک	۲۳۶
۱۵۱	با محبت غنچه لب وا می کند	با محبت بی محبت	۲۳۷
۱۵۲	ای نگهدارندگان فصل نور	فصل نور	۲۳۸

۲۳۹	مادر من	در پیکرم مانند جانی مادر من	۱۵۲
۲۴۰	اگر انسان نمی آمد	جهان یک جو نمی ارزید اگر انسان نمی آمد	۱۵۳
۲۴۱	خانه کوچک	یاد آن روز که با وعده وفا می کردیم	۱۵۳
۲۴۲	در غروب مهربانی	در نگاه خود چو قابم می دهی	۱۵۴
۲۴۳	ارغوان عشق	در دلم غوغا و عظم در حصار	۱۵۴
۲۴۴	خواندیم و سرودیم و نوشتیم	یارب نکند چاره کسی مشکل ما را	۱۵۵
۲۴۵	تفنگی با تفرج	بالای بام شهر ابری در غبار است	۱۵۵
۲۴۶	هزار دیده	آمد بهار و باز دلم در خیال تو	۱۵۶
۲۴۷	مهمان مهتاب	چون ساعتی ضربان قلبم را گواهم	۱۵۶
۲۴۸	سجاده	سجاده نه جای می و مستی	۱۵۷
۲۴۹	پنجره ای به دریا	از آنکه به خویش و اقربا دل بستم	۱۵۷
۲۵۰	کارنامه عمر	کیستم سرگشته ای در وادی آمال خویش	۱۵۷
۲۵۱	آفتاب و آب	پروانه ام با شمع گرم گفتگویم	۱۵۸
۲۵۲	بهترین هنگامه	ایا هواخواه حقیقت یا مجازم	۱۵۸
۲۵۳	حرف مادر	گر خدا از مهر مردت آفرید	۱۵۹
۲۵۴	در ساحل بحر خزر	چند روزی است که در ساحل بحر خزم	۱۵۹
۲۵۵	قلب مجروح	نازنین یکدم بیا مرغ دلم آزاد کن	۱۶۰
۲۵۶	با درختان دوستم	من با درختان دوستم هم با گیاهان آشنا	۱۶۰
۲۵۷	بوی شبنم	بوی شبنم بوی باران می دهی	۱۶۱
۲۵۸	آن سوی ساحل	چرا آشفته ام کردی که زندانبان خود باشم	۱۶۱
۲۵۹	نخل ها	قطره ها رفتند تا دریا شدند	۱۶۲
۲۶۰	رویای شهر آرزو	در هیاهوی جهان گوشم پر از پیغام کیست	۱۶۲
۲۶۱	با بالهای خسته	نیلوفر شمرم اگر امشب شود باز	۱۶۳
۲۶۲	اشک شوق	به یاد چهره تو چشم خویش می بندم	۱۶۳
۲۶۳	سرزمین آفتاب و عرفان	این کویر تشنه جان خواهد گرفت	۱۶۴
۲۶۴	خاطرات باران	آفتاب من سر زد با حضور چشمانش	۱۶۴
۲۶۵	زیر باران سنان	تشنه بود و یک جهان را آب داد	۱۶۵
۲۶۶	قناری های خاموش	صبا هر صبح می آید ز کویت	۱۶۵
۲۶۷	زالال باران	هم آیت دردی و دوائی	۱۶۶
۲۶۸	متانت ماه	درون سینه من آشیانه درد است	۱۶۷

۲۶۹	گریه یعنی	۱۶۷	بغض یعنی ابتدای انفجار
۲۷۰	حریم بی تکرار	۱۶۸	در آن زمان که حریم تو روبرویم بود
۲۷۱	شاداب عطر آسمان	۱۶۸	شاید نمی داند کسی اندوه آهم
۲۷۲	شعر کویر	۱۶۹	اگرچه اهل کویرم ولی دلم دریاست
۲۷۳	معین	۱۷۰	درخشان مهر فردایم معین است
۲۷۴	صدای پای آب	۱۷۱	می شنوی ز چشمه ها صدای پای آب را
۲۷۵	زنده ای جاوید	۱۷۲	زنی همشوش مردان رفت تا مرز پریشانی
۲۷۶	سرزمین کودکی هایم	۱۷۳	سرزمین کودکی هایم کجاست
۲۷۷	بانگ الست	۱۷۹	گر شنیدی در ازل بانگ الست
۲۷۸	اندرز	۱۸۰	چون بدی کردیم بد آید به ما
۲۷۹	خاطر نواز	۱۸۱	عجب تار نبی خاطر نواز است
۲۸۰	اوای ناقوس	۱۸۱	چو کشتی در شبم شیدای فانوس
۲۸۱	اندرز	۱۸۲	کور چون گیرد عصای کور دست
۲۸۲	سخن	۱۸۲	سخن آتش و گاه برگ گل است
۲۸۳	اندرز	۱۸۳	بود مال چون مار کوچک نخست
۲۸۴	کشت پدر	۱۸۴	این شنیدم از پدر روز نخست
۲۸۵	سیرت کودک	۱۸۴	ای که اندر ظلمت غار حرا
۲۸۶	سپاس	۱۸۵	سپاس آنکه مرا با خود آشنا کردی
۲۸۷	ابیات	۱۸۵	چو غمخوار باشی و فریادرس
۲۸۸	شاعر	۱۸۶	شاعری شغلی نیست
۲۸۹	بی هویت	۱۸۸	عرصه تنگ است و زمان می گذرد
۲۹۰	یک شعر می خوانم	۱۹۰	من امشب در فضای سینه ام یک شهر می خوانم
۲۹۱	نمونه ترجمه مثنوی کامل قرآن کریم	۱۹۲	آیه ۱۵ سوره احقاف در مورد پدر و مادر
۲۹۲	روز باران ریز	۱۹۴	تو زیبایی که زیبا آفرینی
۲۹۳	شعر ستایش	۱۹۴	خوشنودی ات همواره باشد آرزویم
۲۹۴	بی همتا	۱۹۵	خوشا به آن دل خرم که جای او باشد
۲۹۵	زندگی بی تو	۱۹۵	زندگی بی تو معنا ندارد
۲۹۶	گفتا بخوان	۱۹۶	ای سرور هر دو جهان ای خاتم پیغمبران
۲۹۷	امیر عشق	۱۹۶	آمدی رفتی چه زود ای خاتم پیغمبران

۱۹۷	بیا ببین که شده شهر ما چراغانی	امشب چه آسمان زیباست	۲۹۸
۱۹۸	سروهای باغ را من سرورم	سایبان ساقه ها	۲۹۹
۱۹۹	شب گذشت و در حضور صبحگاه	ارگ بم	۳۰۰
۲۰۰	دلی به وسعت سبز بهار باید داشت	لاله زار خرمشهر	۳۰۱
۲۰۱	تاجر تریاک بازاریت کساد	درد اعتیاد	۳۰۲
۲۰۲	ما وسوسه سراب را می دانیم	اسرار لطیف آب	۳۰۳
۲۰۲	معلم همرا پیغمبران است	مقام معلم	۳۰۴
۲۰۳	سر زد چو گل از شاخه ام نیلوفر من	نیلوفر	۳۰۵
۲۰۳	شما چو آینه هستید در برابر ما	فرشته های زمینی	۳۰۶
۲۰۴	آنکه بر زد چون پرستو از برم یادش بخیر	مادرم یادش بخیر	۳۰۷
۲۰۴	برو تا شهر خود از زاهدان آهسته آهسته	زاهدان یا صبح نیشابور	۳۰۸
۲۰۵	از دیار عاشقان عرصه دور افتاده ایم	قبله گاهی در حصار	۳۰۹
۲۰۵	آنچه می ماند ز انسان پایدار	می دهد گل هر درختی در بهار	۳۱۰
۲۰۶	نشسته ام به خیالت در انتظاری سبز	نور تاب	۳۱۱
۲۰۷	دین بود با نقش رهبر پایدار	رهنمای فصل بیداری	۳۱۲
۲۰۸	تیغ ستم را بر گلی گل کشیدی	اشک عاشورا بیان	۳۱۳
۲۰۹	وقتی که دیدی آدمی شد لایالی	طبل بی خیالی (طنز)	۳۱۴
۲۱۰	بر صفحه می خرامد آرام آتش افروز	ن و القلم	۳۱۵
۲۱۰	من پیر شدم تا تو شاداب و جوان گشتی	فرزندم	۳۱۶
۲۱۱	بر قله غم از نفس افتاده دل من	شعرم ز شعور است	۳۱۷
۲۱۱	از مهربانی دلم نامهربانی دیده ام	درخت دوستی	۳۱۸
۲۱۲	آنچه دورت می کند از انحراف	اعتکاف	۳۱۹
۲۱۲	خورشید جهان یلاس شب را برجید	آمد آهسته بهار	۳۲۰
۲۱۳	تو برگ باران خورده فصل بهاری	برگ باران خورده	۳۲۱
۲۱۴	فرزانه باشد بهترین فرزانه من	گل‌های شاخ و برگ من	۳۲۲
۲۱۵	ای آنکه در امیال این ماتم اسیری	یادگاری در	۳۲۳
۲۱۶	آنکه دانا بود و نام آور علی است	قهرمان هم بدر و هم خیر	۳۲۴
۲۱۷	مه به آسمان آمد عیدتان مبارک باد	عیدتان مبارک باد	۳۲۵
۲۱۷	بیا به شهر غزل واژه واژه همراهم	بیا به شهر غزل	۳۲۶
۲۱۸	ای خدا وقت سکون کی می شود	شب نورد جاده	۳۲۷

۲۱۹	سلام ما به بانوی پرستار	۲۲۸	سلام بر پرستار
۲۲۰	سلام صبح ما بر پاکبان باد	۲۲۹	سلام بر پاکبان
۲۲۰	خدامان خلق را باید ستود	۲۳۰	گل در سبد
۲۲۱	در یگاهی زاده از مادر شدی	۲۳۱	زیبای صورتگر
۲۲۲	ای که چون پروانه ای در شعله هایم سوختی	۲۳۲	تقدیم به همسفرم
۲۲۲	عمر را دادی برای نام و ننگ	۲۳۳	نیست حالا جای تو
۲۲۳	با آب دو دیده شستشو باید کرد	۲۳۴	رباعیات
۲۲۸	از جمجمه ام گل سخن خواهد رست	۲۳۵	وحدت
۲۲۹	آنان که شهید راه وحدت شده اند	۲۳۶	شهدای وحدت
۲۳۰	از عالم علم و فن چو استاد رود	۲۳۷	یاد استاد
۲۳۲	بر ظلم و ستم کسی ندارد کاری	۲۳۸	شرحی از ظلم و ستم
۲۳۳	خورشید منور است و ما گرد چراغ	۲۳۹	رباعیات طنز
۲۳۵	راندگی و گوش همراه چرا	۲۴۰	توصیه به رانندگان
۲۳۷	یک بز بیرید و صد بز از آب گذشت	۲۴۱	ضرب المثل در رباعی
۲۳۹	برزویه سعادت دو عالم می خواست	۲۴۲	توصیه ای به طبیبان
۲۴۰	ما کاخ فصیح سخن آراسته ایم	۲۴۳	توصیه به مجریان تلویزیون
۲۴۱	گر ظلم ندیده ای ندانی تو قیاس	۲۴۴	تاثیر انقلاب اسلامی در آخرین روستای مرزی
۲۴۲	از ظلم خوانین عقب افتاده شدیم	۲۴۵	علل عقب ماندگی
۲۴۴	چون هر که به هرکه شد در آبادی ما	۲۴۶	رباعیات طنز
۲۴۴	این دهکده امروز خیابان دارد	۲۴۷	از برکت انقلاب
۲۴۸	گر خان همه جا مترسک مزرعه بود	۲۴۸	غفلت و نارسایی های کنونی
۲۴۹	نوروز چه هدیه ای به ما خواهد داد	۲۴۹	رباعیات طنز
۲۴۹	مردی که بزن بهادری بود و درشت	۲۵۰	دختر حوا